

بسمه تعالی

۱. فهرست

۱. فهرست ۱
۲. وحدت حوزه و دانشگاه؛ از ادعای «خرسواری» تا موشک‌های فتاح ۲
۳. قرآن و آموزش غیرمستقیم علوم و فنون ۲
۴. موفقیت‌های علمی در سایه حکومت دینی؛ از واکسن تا فضا ۲
۵. نفاق مدرن و تلاش برای تفرقه‌افکنی ۳
۶. بصیرت در سوره احزاب و سنت امتحان الهی ۴
۷. عبرت از داستان حضرت یونس (ع)؛ ایستادگی در برابر سختی‌ها ۴
۸. بازخوانی وقایع تاریخی و امنیتی در آینه سوره احزاب ۵
۹. نقد نفاق و سوءاستفاده از نام شهدا ۶
۱۰. تکرار اشتباهات گذشته و ضرورت عبرت ۶
۱۱. نقد تجمل‌گرایی و لزوم صرفه‌جویی ملی ۷
۱۲. کلام آخر؛ سختی‌ها و نصرت الهی ۷

۲. وحدت حوزه و دانشگاه؛ از ادعای «خرسواری» تا موشک‌های فتاح

در بحث وحدت حوزه و دانشگاه، می‌توان ذهن نسل جوان‌تر را به سخنان سال‌های آغازین انقلاب اسلامی ارجاع داد و در عین حال، برای کسانی که دست‌کم پنجاه تا پنجاه‌وپنج سال سن دارند، یادآوری کرد که این مباحث در فضای عمومی آن دوران چگونه مطرح می‌شد. در آن مقطع، یکی از ادعاهایی که از سوی دشمنان طرح می‌شد این بود که با حضور روحانیت در عرصه حکومت، قرار است «خرسواری» رواج پیدا کند و این گروه توانایی اداره حکومت را ندارند و جامعه را به عهد عتیق بازمی‌گردانند.

در برابر این ادعاها، می‌توان به مصادیق عینی پیشرفت‌های علمی و فناوریانه اشاره کرد. برای نمونه، موشک‌هایی که در سال‌های اخیر ساخته و به کار گرفته شده‌اند، به عنوان نشانه‌ای روشن از تحقق وحدت حوزه و دانشگاه قابل تحلیل‌اند. این دستاوردها محصول کار روحانیان نیست، بلکه نتیجه تلاش دانشمندان دانشگاهی است؛ اما در چارچوب یک حکومت ولایی و حکومت نائب امام زمان (عج)، هنگامی که به علم و دانشمند احترام گذاشته شد و امام جامعه بارها بر این نکته تأکید کرد که «قدرت و سلطه در علم است»، چنین خروجی‌هایی به دست آمد.

۳. قرآن و آموزش غیرمستقیم علوم و فنون

در این زمینه، باید توجه داشت که وظیفه قرآن، آموزش مستقیم صنعت و فنون نیست. این نکته بارها از سوی حضرت آیت‌الله جوادی آملی، در مناسبت‌های مختلف و در جلسات درس و مباحث علمی، مورد تأکید قرار گرفته است. قرآن نیامده است سدسازی یا خانه‌سازی را به صورت مستقیم به بشر آموزش دهد، زیرا انسان در این حوزه‌ها از توان فهم و تجربه برخوردار است.

با این حال، همین قرآنی که بنای آن بر آموزش مستقیم نیست، علاوه بر ارائه ایده‌های کلان، الهام‌بخش برخی نظریه‌های علمی روز نیز بوده است. برای مثال، آیه «لَا تَنْفُذُونَ فِي أَقْطَارِ السَّمَاوَاتِ إِلَّا بِإِذْنِ الرَّحْمَنِ، نَظَرٌ إِلَى مَعْنَايِهِ» که نفوذ در آسمان‌ها بدون سلطه، قدرت و ابزار ممکن نیست. مباحث مربوط به انسان‌های اوحی، مانند اهل طی الارض یا اهل مراتب خاص معنوی، و نیز سخن منسوب به امیرالمؤمنین (ع) که «من راه‌های آسمان را بهتر از راه‌های زمین می‌دانم»، ناظر به جایگاه انسان‌های خاص است و جزو مطالبات عمومی از همه بندگان به شمار نمی‌آید. همچنین واقعه «سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى الْمَسْجِدِ الْأَقْصَى الَّذِي بَارَكْنَا حَوْلَهُ» مربوط به اولیای خاص الهی است؛ در حالی که برای عموم بشر، مسیر دستیابی به پیشرفت، از طریق کسب سلطه علمی و دانشی تعریف می‌شود.

۴. موفقیت‌های علمی در سایه حکومت دینی؛ از واکسن تا فضا

نمونه‌های عینی این رویکرد را می‌توان در تجربه همه‌گیری کرونا مشاهده کرد. در دوره‌ای که پدیده‌هایی مانند سرقت ماسک در برخی کشورهای اروپایی گزارش می‌شد، در ایران، به واسطه تلاش دانشمندان داخلی، واکسن‌های بومی تولید شد. این در حالی بود که هم‌زمان، در داخل کشور، مخالفت‌هایی نیز با واکسن صورت گرفت؛ از جمله مخالفت‌هایی که با انگیزه رونق بخشی

به بازار طب سنتی نما مطرح می‌شد و حتی ادعاهایی غیرمستند درباره مرگ میلیون‌ها نفر پس از تزریق واکسن یا نسبت دادن دروغین فوت برخی مراجع تقلید به واکسن انتشار یافت.

از سوی دیگر، دانشگاه نیز به این جمع‌بندی رسید که اگر در ذیل خیمه امامت و در چارچوب تفسیر مفسران واقعی و حقیقی دین قرار گیرد، می‌تواند بهتر به کشور خدمت کند. شهید چمران از بیروت به کشور بازنگشت، بلکه دانشمند هسته‌ای در ایالات متحده آمریکا بود که به ایران آمد. مطالعه زندگی‌نامه شهید چمران این واقعیت را روشن می‌کند. پس از آن نیز دانشمندان متعددی در کشور حضور داشتند که برخی از آنان به شهادت رسیدند؛ از جمله شهید تهرانی‌مقدم و شهید فخری‌زاده. با این حال، شهید چمران نمونه‌ای شاخص از دانشمندی بود که در آمریکا فعالیت علمی داشت و سپس به ایران بازگشت. همچنین شهید بابایی در هوانیروز، دانش‌آموخته آمریکا بود؛ شهید ستاری و شهید صیاد، دانش‌آموخته استادان خارج‌رفته در نیروی زمینی دوران طاغوت بودند؛ شهید کلاهدوز نیز در همین مسیر قرار داشت. مرحوم سپهبد قرنی از بزرگ‌ارتشتاران دوران طاغوت به شمار می‌رفت، اما خدمتی که وی در جلوگیری از کودتا در شب ۲۲ بهمن به نظام انجام داد، موجب شد دشمنان او را هدف قرار دهند، هرچند گروه فرقان این اقدام را به نام دیگری ثبت کرد.

۵. نفاق مدرن و تلاش برای تفرقه‌افکنی

در امتداد همین جریان، می‌توان مشاهده کرد که فرقانیست‌های جدید، رجوی‌های جدید، منافقان جدید و جریان‌های مشابه، همان مسیر گذشته را با زبانی متفاوت دنبال می‌کنند. هدف اصلی این جریان‌ها، دسته‌بندی مردم و ایجاد تقابل و درگیری میان آنان است. در این زمینه، هرچند بحث به صورت کلی مطرح می‌شود، اما شواهد عینی آن در فضای اجتماعی قابل مشاهده است.

بر این اساس، نخستین نکته در بحث وحدت حوزه و دانشگاه آن است که این وحدت، اگر سی سال پیش یا مورد انکار قرار می‌گرفت یا حتی با توهین مواجه می‌شد، امروز ثمرات عینی و ملموس خود را نشان داده است. در همین چارچوب، می‌توان از یک مثال تمثیلی بهره گرفت که در ادبیات قضایی ایران نیز مطرح شده است. در این مثال، رهگذری مشاهده می‌کند که کشاورزی هنگام کار در مزرعه، خربزه را با عسل می‌خورد. این رهگذر با استناد به ناسازگاری این دو ماده غذایی هشدار می‌دهد، اما کشاورز در پاسخ، پس از تجربه پیامد آن، می‌گوید که این دو با هم سازگار شدند و نتیجه آن، شدت اثرگذاری‌شان بوده است.

در همین منطق، حوزه و دانشگاه نیز با یکدیگر سازگار شدند و پیامد آن، تضعیف قدرت‌های سلطه‌گر بود. این هم‌افزایی موجب شد ایالات متحده آمریکا، رژیم صهیونیستی و دولت انگلیس با چالش‌های جدی مواجه شوند. در مقابل، جریان‌هایی تلاش می‌کنند با برجسته‌سازی رفتارهای نادرست فردی در جمعیت‌های میلیونی، فضای اجتماعی را ملتهب کنند؛ گاه با تحریک نیروهای مذهبی و گاه با برچسب‌زنی به جریان‌های دینی، جامعه را دو قطبی سازند و تقابل‌هایی را ذیل عناوینی چون آزادی، اسلام، حجاب یا کرامت زنان شکل دهند.

۶. بصیرت در سوره احزاب و سنت امتحان الهی

این روش‌ها در گذشته نیز وجود داشته است. گاه یک سخن نادرست از سوی یک روحانی ناآگاه برجسته می‌شد تا فضای دانشگاه علیه روحانیت تحریک شود و گاه سخنی نادرست از یک استاد دانشگاه تعمیم داده می‌شد تا دانشگاه به‌عنوان مرکز کفر یا فساد معرفی گردد. این در حالی است که جامعه‌ای با جمعیت میلیونی، به‌طور طبیعی دارای تنوع دیدگاه‌ها و رفتارهاست. در چنین شرایطی، امام خمینی با صبر و تحمل فراوان، و با تقدیم خون شهدایی همچون شهید مطهری، شهید مفتاح و شهید باهنر، این مسیر را اصلاح کرد. این بزرگان روحانی، حضوری فعال در دانشگاه داشتند و در متن فضای علمی کشور نقش‌آفرینی می‌کردند. هرچند از نظر ظاهری همه آنان دارای عنوان دانشگاهی نبودند، اما شهید بهشتی، شهید باهنر و شهید مفتاح در دانشکده الهیات دوران طاغوت تحصیل کرده و مدرک دانشگاهی دریافت کرده بودند. خون پاک این شهدا، همراه با همت والای امام و تداوم این مسیر در دوره بعد، به نقطه‌ای انجامید که آثار آن در تحولات اخیر، از جمله در جنگ دوازده‌روزه و عملیات‌های مرتبط، قابل مشاهده است.

در ادامه این بحث، توجه به سوره احزاب به‌عنوان منبعی برای بصیرت اهمیت دارد. در حالی که سوره فتح برای طلب امداد و یاری الهی توصیه می‌شود، سوره احزاب ناظر به سنجش و تمیز حق از باطل است. در آیات هفتم و هشتم این سوره، مسئله میثاق پیامبران و فلسفه آزمون الهی مطرح می‌شود: «لِیَسْأَلَ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا أَلِيمًا». این آیه بیانگر آن است که در شرایط آزمون، صدق و کذب افراد آشکار می‌شود. این معنا در سیره شهید چمران نیز بازتاب یافته است؛ جایی که تأکید می‌کند هنگام آغاز میدان‌های جدی، حقیقت انسان‌ها روشن می‌شود.

در همین چارچوب، تاریخ انبیا نیز مبتنی بر آزمون‌های سخت الهی است. حضرت نوح پس از سال‌ها صبر و دعوت، در امتحان خانوادگی مأمور به عدم مداخله شد. حضرت ابراهیم با همه عظمتش، در برابر احساسات شخصی متوقف گردید. حضرت موسی با وجود جایگاه ویژه، در برابر تجلی قدرت الهی مورد خطاب قرار گرفت. حتی حضرت آدم نیز، با وجود کرامت ذاتی، فاقد عزم لازم برای قرار گرفتن در زمره پیامبران اولوالعزم معرفی شد. در میان پنج پیامبر اولوالعزم، برترین جایگاه به پیامبر اکرم حضرت محمد (ص) اختصاص دارد.

۷. عبرت از داستان حضرت یونس (ع)؛ ایستادگی در برابر سختی‌ها

داستان حضرت یونس (ع) از دیرباز به‌عنوان یک هشدار مستمر در متون دینی مطرح بوده و بیش از چهارده قرن است که مخاطبان را به تأمل فراخوانده است. آیه «إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا» به روشنی بر یک خطای راهبردی دلالت دارد؛ کناره‌گیری در لحظه فشار. این پیام، متوجه همه صاحبان مسئولیت است که در مواجهه با فشار افکار عمومی، گلاویه‌ها و نارضایتی‌ها، از میدان مسئولیت خارج نشوند و واکنش‌های احساسی و قهری از خود نشان ندهند.

در یکی از مقاطع پرتلهاب سیاسی، در دیداری میان رهبر انقلاب و اعضای مجلس خبرگان، با وجود فضای آکنده از گلایه و نگرانی نسبت به شرایط کشور، داستان حضرت یونس (ع) به‌عنوان محور تذکر مطرح شد. تأکید بر این بود که این آیه از آغاز نزول قرآن همواره در برابر چشم جامعه ایمانی قرار دارد و پیام آن، لزوم صبر و تحمل در جایگاه رهبری است. این نگاه،

منحصر به جایگاه رهبری کلان نیست؛ بلکه همه سطوح مدیریتی، از فرماندار و استاندار تا وزیر و نماینده مجلس را دربرمی گیرد.

از این منظر، هرگونه فراخوان احساسی و بی ضابطه به کنش‌های خیابانی، بدون پشتوانه مشروع و رهبری کلان، نوعی جانشینی نابه‌جا برای نقش امام جامعه تلقی می‌شود. در جامعه‌ای با جمعیتی حدود نود میلیون نفر، حتی اگر درصدی از جامعه دچار خطا یا انحراف باشند، تعمیم آن به کل جامعه، نادیده گرفتن اکثریت سالم و وفادار است. این در حالی است که یکی از چالش‌های جدی، همان‌گونه که در محافل علمی و پژوهشی حوزه و دانشگاه نیز مطرح شده، مسئله بی‌اعتمادی عمومی نسبت به مسئولان است که واقعیتی قابل انکار نیست.

۸. بازخوانی وقایع تاریخی و امنیتی در آینه سوره احزاب

تحلیل وقایع امنیتی معاصر را می‌توان با رجوع به مفاهیم قرآنی عمیق‌تر فهم کرد. آیات سوره احزاب، به‌ویژه تعبیری مانند «إِذْ جَاءُوكُمْ مِنْ فَوْقِكُمْ» و «وَمِنْ أَسْفَلَ مِنْكُمْ»، توصیفی دقیق از شرایطی ارائه می‌دهد که تهدید از زمین و آسمان توأمان بر جامعه نازل می‌شود. در چنین فضایی، اضطراب عمومی، تزلزل نگاه‌ها و رسیدن جان‌ها به لب، وضعیتی آشنا در تاریخ جوامع ایمانی است.

در این شرایط، انتظار برای واکنش فوری و علنی رهبری، امری طبیعی است؛ اما تجربه تاریخی نشان می‌دهد که صبر راهبردی، همواره بخشی از مدیریت بحران بوده است. روایت‌های نقل‌شده از آغاز جنگ تحمیلی، به‌ویژه خاطرات ثبت‌شده از مرحوم حجت‌الاسلام توسلی، نشان می‌دهد که در نخستین ساعات حمله دشمن، امکانات دفاعی کشور به‌شدت محدود بود و حتی بهره‌برداری مؤثر از همان امکانات نیز به‌دلیل وابستگی ساختاری، ممکن نبود. با این حال، واکنش امام خمینی (ره) به این واقعه، نمونه‌ای روشن از آرامش، توکل و پرهیز از بزرگ‌نمایی تهدید بود.

در آن مقطع، سپاه پاسداران از حداقل تجهیزات برخوردار بود و مفاهیمی چون موشک، توان بازدارندگی و فناوری‌های پیشرفته نظامی اساساً در دسترس نبود. تأکید مکرر بر «هیچ نداشتن»، نه از باب اغراق، بلکه بیان واقعیتی تاریخی است که بسیاری از شاهدان آن دوران به‌خوبی به یاد دارند. با این وجود، این فقدان‌ها هرگز به عقب‌نشینی راهبردی یا جاخالی دادن در بزنگاه‌ها منجر نشد.

در ادامه همین مسیر تاریخی، آیات دیگری از سوره احزاب، از جمله «وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونَا»، به وضعیت تردید و بدگمانی در لحظات بحران اشاره می‌کند؛ وضعیتی که ممکن است برخی را به این گمان برساند که اساس انقلاب یا نظام اسلامی در معرض فروپاشی است. در چنین فضایی، گاه نگرانی ظاهری نسبت به جایگاه رهبری، پوششی برای تضعیف اعتماد عمومی و تخریب نهادهای انقلابی می‌شود.

قرآن کریم با طرح پرسش بنیادین «أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ انْقَلَبْتُمْ عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ؟» مرز ایمان حقیقی و وابستگی شخص‌محور را روشن می‌کند. استمرار مسیر انقلاب و نظام دینی، وابسته به اشخاص نیست، بلکه ریشه در ایمان، آگاهی و مسئولیت‌پذیری جمعی دارد. از این‌رو، تخریب فرماندهان و نهادهای دفاعی، آن هم از موضع ظاهراً انقلابی، نه تنها کمکی به امنیت و انسجام

نمی‌کند، بلکه به تضعیف جبهه داخلی می‌انجامد؛ به‌ویژه زمانی که این نقدها از سوی افرادی مطرح می‌شود که خود هیچ سابقه‌ای در میدان‌های واقعی جنگ و مقاومت نداشته‌اند.

۹. نقد نفاق و سوءاستفاده از نام شهیدا

در مقاطعی مشاهده شده است که شهید باقری، با اشراف کامل به شرایط، در ایام عید به تخت‌جمشید می‌رود و از همان‌جا پیام می‌دهد؛ اما در همان زمان، با ظاهری مذهبی و به نام جریان حزب‌اللهی، به او توهین می‌شود و نسبت‌های ناروا داده می‌شود. پس از شهادت او، فرد دیگری اظهار می‌کند که اگر جنگ را جدی می‌گرفت، برخی افراد در کنار زن و فرزندشان شهید نمی‌شدند. این در حالی است که در صورت اعلام رسمی شرایط جنگی، حتی از طریق رسانه ملی، واقعیت آن است که کشور در وضعیت جنگ قرار دارد؛ نه فقط جنگ نرم، بلکه جنگ سخت، نه فقط اقتصادی، بلکه نظامی. با این وجود، مسئولان با تلاش برای حفظ آرامش عمومی، از القای فضای بحران پرهیز می‌کنند و کشور را عادی جلوه می‌دهند، اما در نهایت مورد مطالبه و بازخواست قرار می‌گیرند.

در ادامه همین رویکرد، فردی اظهار می‌کند که شهید رئیسی پیش از سقوط هواپیما، دولتش ساقط شده بود و سپس برخی با توجیه‌های مکرر، این سخن را تعدیل می‌کنند. این در حالی است که تصریح شده بود اگر آقای رئیسی باقی می‌ماند، ثمرات عملکرد او آشکار می‌شد. برای تبیین این معنا، از مثال مرحوم امیرکبیر یاد می‌شود که با وجود سه سال حضور، آثار ماندگارش سال‌ها باقی ماند. با این حال، برخی با استفاده از منابع عمومی و با ظاهری انقلابی، تلاش می‌کنند سخنان روشن را به‌گونه‌ای دیگر تفسیر کنند و هم‌زمان، از طیف‌های مختلف سیاسی، اظهارات مشابهی در حضور رئیس‌جمهور فعلی مطرح می‌شود؛ اما واکنش‌ها به این اظهارات، یکسان نیست.

در مجموع، این جریان‌ها، آگاهانه یا ناآگاهانه، مصداق آیه شریفه «إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا» قرار می‌گیرند. در این فضا، بدون تصریح نام‌ها، تلاش می‌شود جایگاه رهبری به‌صورت نمادین حفظ شود، اما هم‌زمان همه نهادهای پیرامونی، از بیت رهبری تا فرماندهان سپاه، هدف تخریب قرار می‌گیرند و در برخی فضاهای رسانه‌ای، حتی با تعبیر موهن از آن‌ها یاد می‌شود.

۱۰. تکرار اشتباهات گذشته و ضرورت عبرت

با وجود باقی‌ماندن چند سال تا انتخابات ریاست‌جمهوری، همان خطاهایی که در پایان دولت احمدی‌نژاد رخ داد، در حال تکرار است و تخریب شهید رئیسی از هم‌اکنون آغاز شده تا زمینه برای بازگشت همان جریان‌های پیشین فراهم شود. تجربه انتخابات سال ۱۳۹۲ نشان داد که در فضای تخریب گسترده، انتخاب مردم قابل پیش‌بینی بود. در آن مقطع، اگرچه به عملکرد دو سال پایانی دولت احمدی‌نژاد انتقادهای جدی وارد بود، اما تعمیم این ضعف‌ها به کل دوره و نادیده‌گرفتن نقش سایر عوامل، تحلیلی نادرست به شمار می‌رفت.

کشور با تلاش یک فرد اداره نمی‌شود و دستاوردهایی مانند توان موشکی یا پیشرفت‌های علمی، حاصل زحمت مجموعه‌ای از مردم، دانشمندان و مسئولان است. هرچند برخی خطاها و کاستی‌ها وجود دارد، اما انجام کارهای بزرگ نیز نتیجه مشارکت

جمعی است. بازخوانی فضای انتخابات ۱۳۹۲ نشان می‌دهد که تنها رقیب اصلاح‌طلب، آقای عارف بود و دیگر نامزدها نیز عمدتاً به بازگشت به دوره‌های پیشین اشاره داشتند. در چنین شرایطی، افکار عمومی به این جمع‌بندی رسید که گزینه‌های ارائه‌شده، تفاوت معناداری با گذشته ندارند.

در نهایت، تخریب هم‌زمان بیت رهبری، سپاه پاسداران، روحانیت، مجلس خبرگان، مجلس شورای اسلامی و قوه قضائیه، این پرسش را پیش می‌آورد که در این نگاه، چه نهادی قرار است کشور را نجات دهد. این رویکرد، با مضمون آیه «وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا» هم‌خوانی دارد. نقد صریح و مستدل، امری پذیرفته‌شده است؛ اما تخریب فراگیر و نفی همه ارکان، نه به اصلاح می‌انجامد و نه امکان اداره کشور را فراهم می‌کند.

۱۱. نقد تجمل‌گرایی و لزوم صرفه‌جویی ملی

در بازگشت به مسئله شهید رئیسی، مشاهده می‌شود افرادی که به نام او قصد انجام برخی اقدامات را داشته‌اند، خود را به‌عنوان میراث‌دار و میراث‌خوار معرفی کرده‌اند، در حالی که عملاً با رویکردی تخریبی با این میراث مواجه شده‌اند. بسیاری از رخدادهای جاری کشور، اگرچه می‌توانست با کیفیت بهتری مدیریت شود، اما اصل مسئله آن است که ضرورت بازاندیشی و بهبود عملکرد، امری عمومی و همگانی تلقی می‌شود.

حدود سی سال پیش، رهبر انقلاب در دوران دولت سازندگی پیامی به مجلس ارائه کردند و بر این نکته تأکید داشتند که اداره کشور باید مبتنی بر تولید داخلی باشد و منابع نفتی، صرف امور زیربنایی همچون راه‌سازی، ایجاد کارخانه‌ها، توسعه دانشگاه‌ها، مدارس، بیمارستان‌ها، صنعت هوافضا، توان دفاعی و مخابرات شود. در این چارچوب، در بیانات ایشان، همواره نقد اسراف و تأکید بر پرهیز از مصرف‌زدگی دیده می‌شود و دولت‌ها غالباً به دلیل فشارهای رسانه‌ای، از ایستادگی جدی در برابر اسراف پرهیز کرده‌اند.

در برخی نهادهای اداری، به‌ویژه در مقاطعی از دولت آقای احمدی‌نژاد، الگوهای مصرفی مشاهده شده که حتی در مراسم‌های رسمی و خانوادگی نیز کمتر دیده می‌شود. نمونه‌هایی از پذیرایی‌های پرهزینه در جلسات اداری، در حالی گزارش شده که هدف از تعطیلی‌ها و تغییر ساعات کاری، کاهش هزینه‌های دولت عنوان می‌شد. این وضعیت، محدود به یک وزارتخانه یا نهاد خاص نبوده و در بخش‌های مختلف با شدت و ضعف متفاوت تکرار شده است.

۱۲. کلام آخر؛ سختی‌ها و نصرت الهی

واقعیت آن است که جامعه با سختی‌ها، مشکلات و خطاها مواجه است و این امر، امری طبیعی در هر ساختار انسانی به شمار می‌آید. در تجربه‌های خانوادگی نیز رضایت کامل و مطلق همه اعضا، امری نادر است و خطا، بخشی از فرآیند تصمیم‌گیری والدین و مدیران تلقی می‌شود. اعتماد به تجربه، دانش و مشورت، همواره با امکان اشتباه همراه بوده و این قاعده در سطح کلان مدیریتی نیز صادق است.

در همین چارچوب، افزایش سن برخی مدیران اجرایی و نمایندگان، گاه به بروز خطاهایی مشابه خطاهای والدین در تصمیم‌گیری منجر شده است. با این حال، قرآن کریم با یادآوری نعمت الهی، به نقش نصرت غیبی در مقاطع حساس اشاره می‌کند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ...». در تحلیل وقایع اخیر، از جمله جنگ دوازده‌روزه، شواهد میدانی، توان موشکی، بازدارندگی و حتی توقف ادامه درگیری از سوی دشمن، همگی قابل توجه‌اند. ترک صحنه نبرد از سوی بازیگرانی مانند اسرائیل و آمریکا، بدون تحقق اهداف اعلامی، نشانه‌ای معنادار تلقی می‌شود.

در ادامه این تحولات، موضوع مذاکرات غیرمستقیم و تصمیمات شورای عالی امنیت ملی، پیش از قطعنامه، در چارچوب راهبرد کاهش هزینه‌های ملی و جلوگیری از آسیب به زیرساخت‌های حیاتی کشور قابل تحلیل است. استمرار درگیری، می‌توانست خسارت‌های گسترده‌تری به پالایشگاه‌ها، انرژی و معیشت عمومی وارد کند. در این میان، اصل عمل متقابل و نمایش اراده دفاعی، موجب تغییر محاسبات دشمن شد.

از سوی دیگر، مسئله نفوذ و فناوری‌های نوین، از جمله هوش مصنوعی و ابزارهای ارتباطی، واقعیتی انکارناپذیر است. همان‌گونه که دشمنان از این ظرفیت‌ها بهره می‌برند، توان متقابل نیز وجود دارد، هرچند در برخی حوزه‌ها، برتری فناورانه آن‌ها مشهود است. این امر، نباید به بهانه‌ای برای متهم‌سازی عمومی تبدیل شود.

در پایان، یادآوری این نکته ضروری است که شجاعت واقعی، در میانه میدان و در زمان تصمیم‌گیری معنا پیدا می‌کند، نه پس از پایان درگیری. نصرت الهی، گاه در قالب عوامل طبیعی و گاه از مسیرهایی فراتر از محاسبات عادی تحقق می‌یابد؛ امری که حتی کارشناسان نظامی نیز به محدودیت‌های تحلیل صرف مادی در برخی وقایع اذعان کرده‌اند.

در نهایت، با توسل به درگاه الهی و اهل بیت علیهم‌السلام، طلب فرج و نصرت برای امت اسلامی و امام عصر (عج) مطرح می‌شود.

نَسْأَلُكَ اللَّهُ وَنَدْعُوكَ بِاسْمِكَ الْعَظِيمِ الْعَظِيمِ الْأَعَزِّ الْأَجَلِّ الْأَكْرَمِ